



سیاست و فلسفه سیاسی جایگاه مستقلی در حکمت متعالیه دارد/سیاست هم حکمت نظری و هم حکمت عملی است

حجت الاسلام محسن مهاجرنیا با بیان اینکه سیاست به اعتبار اینکه فعل الهی است داخل در حکمت نظری و الهیات و به اعتبار اینکه درباره انسان است داخل در حکمت عملی و علم مدنی است، گفت: در حکمت متعالیه برای سیاست و فلسفه سیاسی به مثابه یک دانش جایگاه مستقلی دیده شده است.

حجت الاسلام محسن مهاجرنیا با بیان اینکه سیاست به اعتبار اینکه فعل الهی است داخل در حکمت نظری و الهیات و به اعتبار اینکه درباره انسان است داخل در حکمت عملی و علم مدنی است، گفت: در حکمت متعالیه برای سیاست و فلسفه سیاسی به مثابه یک دانش جایگاه مستقلی دیده شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، نهمین جلسه گروه علمی فلسفه سیاسی مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع "چیستی حکمت سیاسی متعالیه" با ارائه حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن مهاجرنیا برگزار شد.

در این جلسه مهاجرنیا با اشاره به جایگاه حکمت متعالیه و ضرورت پرداختن به آن و به ویژه در عرصه حکمت سیاسی، به ارائه تعریف فلسفه سیاسی از منظر حکمت متعالیه پرداخت و در ادامه براساس محورهای ذیل نسبت به دسته بندی علوم در آثار صدرالمتألهین و جایگاه حکمت سیاسی، مطالب خود را ارائه نمود.

الف) جایگاه سیاست و فلسفه سیاسی

در حکمت متعالیه برای سیاست و فلسفه سیاسی به مثابه یک دانش جایگاه مستقلی دیده شده است. در ادامه به چهار نوع تقسیم بندی اشاره می شود. اگرچه ملاصدرا طبقه بندی های فوق را بدون نقد، نقل می کند اما به نظر می رسد، دسته بندی آخر با حکمت متعالیه سازگاری بیشتری دارد و از ابداعات و ابتکارات صدرائی است.

تقسیم بندی اول بر اساس حکمت مشاء:

حکمت دو قسم است: حکمت نظری (علم اعلی، طبیعی و ریاضی) و حکمت عملی (علم اخلاق، تدبیر منزل و علم مدنی).

اقسام حکمت عملی:

تدبیرهای بشر و سیاستهای انسانی مخصوص یک شخص؛ حکمتی که، معیشت دنیوی فاضله و زندگی اخروی کامله انسان سامان می گیرد. چنین حکمتی علم اخلاق نامیده می شود. آنچه مربوط به اجتماع انسانهاست اگر برحسب اجتماع مدنی باشد حکمت مدنی نامیده می شود. آنچه مربوط به اجتماع انسانهاست اگر برحسب خانواده باشد حکمت منزلی نامیده می شود و گاهی قسم چهارمی نیز اضافه می شود با عنوان (آنچه مربوط به اجتماع انسانهاست اگر مربوط نبوت و شریعت باشد به آن حکمت یا علم نوامیس گویند).

در کتاب المظاهر الالهیه: غایت و هدف حکمت آموختن راه سفر طبیعی و حرکت و سیر تکاملی به سوی آخرت و وصول به خداوند است و این سفر شش مرحله دارد که سه مرحله آن، مهمتر از سه مرحله دیگر است.

سه مرحله مهم این سیر و سلوک عبارتند از:

1 - معرفه الحق الاول

2 - معرفه الصراط المستقیم

3 - معرفه المعاد

سه مرحله بعدی که در حوزه حکمت عملی قرار می گیرد:

1 - خودسازی و تدبیر نفس

2- تدبیر منزل

3- تدبیر مدن که فقه و حقوق و قوانین و مقررات کوچک و بزرگ دینی یا غیر دینی در این بخش جا می گیرد و فلاسفه به آن، علم سیاست می گویند.

دسته بندی دوم به لحاظ دنیوی و اخروی بودن

علوم به دو دسته تقسیم شده اند:

علوم دنیوی

علم اقوال شامل؛ علوم الفبا، صرف، نحو، عروض، معانی و بیان و تعاریف منطقی، اصطلاحات و حدود)

علم اعمال (شامل اموری که به اشیاء گوناگون مادی تعلق دارد و از آنها، فنون بافندگی، کشاورزی و معماری پدید می آید. یک مرتبه بالاتر از آن، فن کتابت، علم حیل (مکانیک)، کیمیا و غیره قرار دارد. سپس آنچه برای معیشت فرد و اجتماع لازم است و از آن، علم خانواده، حقوق، سیاست و شریعت به وجود می آید و سرانجام، آنچه به کسب فضایل معنوی و اخلاقی و زدودن رذائل می پردازد، یعنی علم طریقت.

علم احوال یا افکار (شامل علم برهان منطقی، علم ریاضی و علم هندسه که خود، شامل علم نجوم و احکام نجوم است. علوم طبیعت، شامل پزشکی و علوم می شود که به معدن و نبات و حیوان می پردازد).

علوم اخروی

این علوم که عقل عادی نمی تواند به آنها برسد و از وحی و تهذیب نفس برای رسیدن به آنها باید کمک گرفت، عبارتند از: فرشته شناسی، شناخت جواهر غیر مادی، شناخت لوح محفوظ، شناخت قلم اعلی، شناخت مرگ و رستاخیز و سایر اموری که به زندگی اخروی مربوط است)

دسته بندی سوم به اعتبار موضوع علوم:

علوم بر دو قسمند:

علوم مکاشفات

علوم معاملات (شامل سیاست و ...)

دسته بندی چهارم:

سیاست به اعتبار اینکه فعل الهی است داخل در حکمت نظری و الهیات است. سیاست به اعتبار اینکه درباره انسان است داخل در حکمت عملی و علم مدنی است.

ب) تعریف حکمت سیاسی متعالیه

ج) موضوع حکمت سیاسی متعالیه

د) روش حکمت سیاسی متعالیه

این دسته بندی دانشی در کتاب شرح الهدایه الاتیریبه آمده و در آغاز کتاب اسفار نیز تکرار شده است.